

سناریوی مرگ کودک

حادثه... گاهی خبر می‌کند!

همه دوست داریم و تلاش می‌کنیم که زندگی و رشد کودکانمان با ایمنی و آرامش همراه باشد، اما حوادث همیشه در کمین هستند و بیشترین آسیب‌ها را در این گذار کودکان می‌بینند. کودکان زیر ۶ سال به علت عدم آگاهی از حوادث محیط اطراف، عدم شناخت کافی نسبت به خطرات و ناتوانی از فرار در موقعیت‌های خطرناک بیشتر دچار حادثه می‌شوند. به نظر می‌رسد در این زمینه مهم‌ترین وظایف والدین و دیگر مراقبان کودک این است که ضمن آگاهی بخشی به کودکان، سلامتی و جان آن‌ها را از خطرات محیط حفظ کرده و سعی در ایمن‌تر کردن شرایط برای آن‌ها داشته باشند.

اگرچه می‌گویند «حادثه خبر نمی‌کند» اما اگر ما بزرگ‌ترها حواسمان باشد چه وقت، کجا و چگونه ممکن است یک کودک دچار آسیب شود، می‌توانیم با انجام برخی اقدام‌ها، احتمال وقوع حوادث را در نظر بگیریم و برای جلوگیری از آن تلاش کنیم. در ادامه دو سناریوی مرگ را می‌خوانید که در آن‌ها به سلسله عواملی که منجر به وقوع حادثه و سپس مرگ کودکان می‌شود، اشاره شده است.

آیا مجسمه شتر هم مقصربود؟

سناریوی مرگ کودکان زیر ۵ سال / شهرستان اردکان / دلیل مرگ: تصادف

در یکی از روزهای بهمن ماه سال ۱۴۰۰، پدر خانواده، محمدمامین چهار ساله را نزد مادر بزرگش می‌گذارد تا همسرش را که بیمار است نزد پزشک ببرد. محمدمامین کمی در خانه نزد مادر بزرگ می‌ماند و بعد برای بازی با دوستان از خانه خارج می‌شود. او نیم ساعتی با بچه‌ها در پارک بازی می‌کند. در نزدیکی خانه مادر بزرگ، جاده بین شهری است و آن طرف جاده تندیس شتری قرار دارد که مورد توجه بچه‌هاست و معمولاً در طول روز بچه‌ها از سر و کولش بالا می‌روند. محمدمامین هم تصمیم می‌گیرد برای بازی به آن طرف جاده برود. سن و



حامده بهجتی

کارشناس کودکان
دانشگاه علوم پزشکی یزد



شبم نصیرابی

کارشناس سلامت کودکان
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

محل زندگی آن‌ها استخری وجود داشته و در کنار استخر منبع آبی هم تعبیه شده است. اگرچه استخر و منبع آب حفاظ توری داشته اما آن‌ها متوجه می‌شوند بخشی از توری اطراف منبع آب قبلا پاره شده است. پدر بلافاصله به داخل منبع آب می‌رود و متاسفانه عماد را در آب غوطه ور می‌بیند. او بسرعت کودک را از آب خارج کرده و بلافاصله بهورز را در جریان قرار می‌دهد.

بهورز، اورژانس را خبر می‌کند و نیروهای اورژانس که می‌رسند، مشاهده می‌کنند کودک سیانوز و بدون علائم حیاتی است. با این وجود همه اقدام‌های لازم را در محل انجام داده و سپس کودک را به مرکز خدمات جامع سلامت انتقال می‌دهند. در مرکز نیز عملیات به جایی نمی‌رسد و عماد جان خود را از دست می‌دهد.

در این حادثه به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل مرگ کودک، محیط خطرآفرین و عدم توجه والدین به این موضوع بوده است. وجود استخرهایی با حفاظ‌های سست در مناطق روستایی اغلب حادثه آفرین است و توجه به این نکته و آموزش خانواده‌ها در این خصوص می‌تواند در حفاظت از جان انسان‌ها و بخصوص کودکان مؤثر باشد.

ضمن این‌که به نظر می‌رسد رایزنی با بخش‌داری‌ها و دهیاری‌ها به منظور تأمین حفاظ‌های امن و محکم برای استخرها یکی از راهکارهای بسیار اثربخش باشد. آموزش بهورزان و مراقبان سلامت در خصوص اجرای عملیات احیای پیش بیمارستانی نیز بسیار ضروری است.



سال او به اندازه‌ای نیست که قوانین و آداب عبور از جاده و خیابان را بداند و آن‌ها را رعایت کند. رانندگان هم هرچند باید بدانند این منطقه مسکونی است و باید با دقت و احتیاط برانند اما با توجه به نبود تابلوی هشدار و یا سرعت گیر، با سرعت در حال تردد هستند. همین که محمدامین پا به جاده می‌گذارد خودرویی با سرعت بالا به او برخورد کرده و او را نقش بر زمین می‌کند. اطرافیان با اورژانس تماس گرفته و کودک در حالی که بی‌هوش است توسط اورژانس به بیمارستان شهرستان منتقل می‌شود. با وجود تلاش پزشکان متاسفانه عملیات احیا موفقیت آمیز نیست و کودک فوت می‌کند.

در این حادثه به نظر می‌رسد سلسله عواملی که منجر به فوت کودک شده است همگی قابل پیشگیری بوده است. با توجه به اینکه منطقه مسکونی روستا در دو سمت جاده بین شهری قرار دارد نیاز به گارد ریل و پل هوایی در این منطقه به شدت احساس می‌شده که متاسفانه هنوز هم اقدامی در این راستا صورت نگرفته است.

وجود تندبسی در یک سوی خیابان که تحریک کننده کودکان برای رفتن به آن سمت از جاده بوده و نبود سرعت گیر در نزدیکی منطقه مسکونی از دیگر عوامل منجر به وقوع حادثه بوده است. ضمن اینکه با توجه به عوامل خطر گفته شده به نظر می‌رسد مراقبت بیشتری از سوی بزرگ‌ترها لازم بوده و سهل انگاری در این خصوص موجب بروز این حادثه شده است. فراموش نکنیم که افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص پیشگیری از سوانح و حوادث از وظایف بهورزان و مراقبان سلامت است.

بازهم غرق شدگی

«عماد» و خانواده‌اش که از منطقه‌ای دیگر مهاجرت کرده‌اند در یکی از روستاهای اقماری در محل مرغداری سکونت دارند. صبح روز حادثه عماد با کمی فاصله از پدر، از خانه بیرون می‌رود.

مادر با این تصور که کودک همراه پدر است، سراغی از او نمی‌گیرد. پس از این‌که چند ساعت از غیبت کودک می‌گذرد پدر به خانه بازگشته و تازه والدین متوجه عدم حضور عماد شده، به جست و جو می‌پردازند. در نزدیکی